



Iranian Independent Islamic Human Rights Commission
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
لجنة حقوق الانسان الاسلاميه في ايران



حملات به ایران ؛ آسیب شدید به نظام عدم اشاعه سلاح های هسته ای و لزوم تلاش برای
جبران فوری

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

تابستان ۱۴۰۴

توضیحات مقدماتی کمیسیون:

در پی تجاوز اسرائیل و آمریکا به ایران، از منظرهای مختلف این رویداد مورد توجه صاحب‌نظران و کارشناسان در سطح جهانی قرار گرفت. یکی از زوایای مورد بررسی، ارزیابی این تجاوز از حیث صدمه‌رسانی به نظام عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای است و اینکه این امر چه پیامدهای منفی برای جامعه جهانی و نه فقط ایران به بار آورده است. نوشتار حاضر یکی از تازه‌ترین مقالات منتشره در این زمینه است که توسط یکی از کارشناسان شناخته شده امنیت بین‌الملل و موضوع عدم اشاعه تقریر یافته است. نویسنده، تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران را اقدامی برخلاف امنیت جهانی و در جهت فروپاشی نظام عدم اشاعه تفسیر کرده است و تاکید نموده که دولت آمریکا باید اشتباهات مکرر خود طی چند سال اخیر در این زمینه را بپذیرد و از راههای مسالمت‌آمیز و دیپلماسی در جهت جبران مناسب برآید. طبیعتاً این جبران بدون رعایت حقوق ملت ایران و پاسخگو بودن در قبال خساراتی که وارد ساخته، معنا ندارد اگرچه بخشی از خسارات انسانی ناشی از جنایت آمریکا و اسرائیل برگشت پذیر نیست و غیر قابل جبران است. امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران در ادامه ترجمه یکسری مقالات مرتبط با حقوق ملت ایران در قضیه تجاوز اخیر، برگردان این اثر به فارسی را مناسب دید که با کوتاه‌سازی عنوان مقاله تقدیم میشود. امید است مطالعه این قبیل مطالعات ما را در پیگیری جدی تر حقوق ملی و انسانی خود و پیشبرد منطق قوی و اهداف مشروع مورد نظر مصمم تر سازد.

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

تیرماه ۱۴۰۴

♦ نویسنده: دکتر اولامید ساموئل، متخصص امنیت بین‌الملل، نماینده ویژه قبلی کمیسیون انرژی هسته‌ای آفریقا (AFCONE) که توسط پیمان منطقه عاری از سلاح هسته‌ای آفریقا شکل گرفته است.

♦ برگردان فارسی: ترجمه و نهایی‌سازی در امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

♦ مآخذ: شبکه انگلیسی زبان الجزیره، منتشره در ۳۰ ژوئن ۲۰۲۵

متن مقاله:

پس از حملات مستقیم به تأسیسات هسته‌ای ایران، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، به سرعت اعلام پیروزی کرد. دولت او ادعا کرد که «جهان پس از آنکه بمباران، توانایی ایران برای ساخت سلاح‌های هسته‌ای را از بین برد، بسیار امن‌تر شده است». اما پس از این حملات، بحث‌های زیادی در مورد میزان به عقب راندن واقعی برنامه هسته‌ای ایران صورت گرفته است. همانطور که رافائل گروسی، رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) اشاره کرد، دهانه‌های برخورد [بمبها] اطلاعات کمی در مورد آنچه در زیر لایه‌های بتن [تأسیسات هسته‌ای مورد حمله واقع شده] باقی مانده است، فاش می‌کنند. [برخی از نهادهای دولت ترامپ اذعان کردند که حداقل وضعیت یک سایت [تأسیسات هسته‌ای ایران] هدف قرار گرفته با بمبهای سنگر شکن به دلیل قرار داشتن در اعماق زمین، روشن نیست. هم چنین سرنوشت سانتریفیوژها و ذخایر اورانیوم غنی شده ۶۰ درصدی ایران نیز نامعلوم است. در حالی که میزان خسارتی که برنامه هسته‌ای ایران متحمل شده هنوز مشخص نیست، رژیم عدم اشاعه [سلاح‌های هسته‌ای] که سال‌ها هدف زیربط را شفاف نگه داشته بود، از هم پاشیده است. این اقدام نظامی کوتاه‌بینانه به جای مهار اشاعه هسته‌ای، ممکن است تهدید هسته‌ای را که به دنبال مهار آن بود، تشدید کند و نه تنها خاورمیانه، بلکه کل جهان را به مکانی بسیار خطرناک‌تر تبدیل کند.

یک برنامه هسته‌ای تحت نظارت دقیق

تا زمان حمله این ماه، برنامه هسته‌ای ایران عمدتاً صلح‌آمیز باقی مانده بود. این برنامه در دهه ۱۹۵۰ با کمک طرح «اتم برای صلح» ایالات متحده آغاز شد. در طول دهه‌های بعد، گسترش یافت و شامل تعدادی از تأسیسات هسته‌ای شد. از جمله آنها می‌توان به رآکتور آب سنگین اراک که اکنون غیرفعال است؛ رآکتور تحقیقاتی تهران، تأسیساتی که با کمک ایالات متحده در سال ۱۹۶۷ ساخته شد و برای تولید ایزوتوپ‌های پزشکی استفاده می‌شود؛ مجتمع تبدیل اورانیوم و تولید سوخت در اصفهان؛ تأسیسات هسته‌ای نطنز که سایت اصلی غنی‌سازی کشور است؛ نیروگاه زیرزمینی فردو در نزدیکی قم و نیروگاه هسته‌ای بوشهر که به سوخت تأمین شده توسط روسیه متکی است و تنها نیروگاه فعال در حال حاضر در ایران است، اشاره کرد. علاوه بر این، ایران در حال ساخت دو تأسیسات هسته‌ای دیگر - پروژه‌های نیروگاه دارخوین و سیریک - است، اما این دو تأسیسات هنوز در مراحل اولیه هستند.

تمام جنبه‌های برنامه هسته‌ای ایران برای دهه‌ها تحت نظارت دقیق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بوده است. این کشور در سال ۱۹۶۸ به عضویت پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) درآمد و از نظر قانونی خود را متعهد به کنار گذاشتن تلاش‌های مربوط به سلاح‌های هسته‌ای و قرار دادن تمام مواد هسته‌ای تحت نظارت‌ها و پادمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرد.

ایران در سال ۱۹۷۴ توافقنامه جامع پادمان را امضا کرد و ۱۸ تأسیسات هسته‌ای و ۹ مکان خارج از تأسیسات (LOF) را که در آنها از مواد هسته‌ای استفاده می‌شد، اعلام کرد. این مکان‌ها شامل کارخانه‌های غنی‌سازی، راکتورهای تحقیقاتی، تأسیسات تبدیل و تولید سوخت، آزمایشگاه‌ها و سایت‌های بیمارستانی با استفاده از رادیوایزوتوپ‌ها بودند.

در برخی مواقع، به ویژه پس از آنکه سایت‌های مخفی قبلی در سال ۲۰۰۲ آشکار شدند، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اقدامات راستی‌آزمایی سرزده‌تری انجام داد و ایران را تحت فشار قرار داد تا پروتکل الحاقی، توافقی برای بازرسی‌های گسترده‌تر، را اجرا کند. این کشور از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ داوطلبانه این کار را انجام داد.

در سال ۲۰۱۵، ایران برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) را با ایالات متحده، بریتانیا، چین، روسیه، فرانسه و آلمان امضا کرد. این کشور سقف‌های سختگیرانه‌ای را برای غنی‌سازی اورانیوم پذیرفت و موافقت کرد که در ازای لغو تحریم‌ها، ذخایر اورانیوم خود را ۹۷ درصد کاهش دهد [حفظ غنی‌سازی در سطح ۳/۶۷ درصد برای اهداف مسالمت‌آمیز].

[بر این اساس] به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دسترسی بیشتری به برنامه ایران نسبت به قبل داده شد و [آژانس انرژی اتمی] اجازه یافت دوربین‌ها و حسگرهای از راه دور را در سایت‌های هسته‌ای نصب کند و امکان نظارت بلادرننگ را فراهم آورد. این دسترسی گسترده، تمام سایت‌های اصلی برنامه هسته‌ای ایران، از جمله نطنز، فردو و اصفهان، سه تأسیساتی که اخیراً توسط ایالات متحده مورد حمله قرار گرفتند، را پوشش می‌داد. برجام در حالی که همچنان به قوت خود باقی بود، بسیار مؤثر واقع شد.

تضعیف دیپلماسی هسته‌ای

در سال ۲۰۱۸، ترامپ در طول دوره اول ریاست جمهوری خود، تصمیم به خروج از برجام گرفت و ادعا کرد که طبق مفاد آن، ایران «چیزهای زیادی را در ازای چیزهای بسیار کمی دریافت کرده است». با وجود درخواست‌های مکرر متحدان اروپایی برای حفظ این توافق، ایالات متحده تحریم‌ها را دوباره اعمال کرد و کارزار «فشار حداکثری» را برای فلج کردن اقتصاد ایران آغاز کرد.

عواقب خروج ترامپ سریع بود. ایران که از مزایای این توافق محروم شده بود، شروع به کاهش پایبندی خود به این توافق کرد. در سال ۲۰۲۰، پس از حمله هوایی به دستور ترامپ که منجر به کشته شدن ژنرال قاسم سلیمانی شد، تهران اعلام کرد که دیگر به هیچ محدودیت عملیاتی در توافق هسته‌ای پایبند نخواهد بود.

جای تعجب نیست که اقدامات ترامپ هرگونه مذاکره جدید با ایران را بسیار دشوارتر کرد. مقامات آمریکایی در دولت دوم ترامپ سعی کردند مذاکرات با ایران را از سر بگیرند و چندین دور مذاکره غیرمستقیم انجام دادند.

رهبران ایران خواستار تضمین‌هایی مبنی بر عدم تضعیف توافق جدید یا اعمال مجدد تحریم‌های یکجانبه شدند و در پاسخ، واشنگتن انعطاف‌پذیری کمی نشان داد و در عوض، خواسته‌های سختگیرانه‌تری را مطرح کرد. از دیدگاه ایران، آنچه پیشنهاد شده بود، توافقی نامطلوب‌تر از برجام بود و از سوی کشوری ارائه شده بود که وعده‌هایش غیرقابل اعتماد بودن خود را ثابت کرده بود.

حملات [اخیر] آمریکا و اسرائیل تقریباً تلاش‌ها برای احیای مذاکرات را از بین برد. ظرف چند ساعت پس از حملات، ایران دور دیگری از مذاکرات با آمریکا در عمان را لغو کرد و به مذاکره‌کنندگان خود دستور بازگشت به خانه را داد. در روزهای پس از بمباران‌ها، [برخی نمایندگان در] مجلس ایران شروع به تهیه پیش‌نویس قانونی برای خروج از NPT کردند. اگر ایران این کار را انجام دهد، خروج می‌تواند معاهده اساسی کنترل تسلیحات جهانی را از بین ببرد.

برای نیم قرن، معاهده عدم اشاعه (NPT) بمب هسته‌ای را به تعداد انگشت‌شماری از کشورها محدود کرده است. خروج ایران در حال حاضر، از زمان کره شمالی که در سال ۲۰۰۳ از معاهده مزبور خارج شد و چهار سال بعد سلاح هسته‌ای آزمایش کرد، مهم‌ترین نقض این معاهده خواهد بود.

خارج از معاهده عدم اشاعه (NPT)، ایران دیگر به هیچ محدودیت یا بازرسی پایبند نخواهد بود و جهان را در مورد فعالیت‌های خود در تاریکی رها می‌کند. یک برنامه هسته‌ای مبهم ایران احتمالاً سایر قدرت‌های منطقه‌ای را نیز به انجام همین کار ترغیب می‌کند و دهه‌ها خویشتن‌داری را از بین می‌برد. خروج از معاهده عدم اشاعه (NPT)، قرار نیست آسان باشد. این امر مستلزم سه ماه اطلاع‌رسانی، توجیه عمومی، ادامه مسئولیت نقض‌های گذشته و تحویل یا حفاظت مداوم از تمام فناوری هسته‌ای وارداتی است. اینها گام‌هایی هستند که متولیان معاهده و شورای امنیت سازمان ملل می‌توانند برای فشار آوردن به هر کشور ترک‌کننده احتمالی برای بازگشت به میز مذاکره استفاده کنند، با این فرض که کشور ترک‌کننده هنوز ارزشی در ماندن در میز مذاکره ببیند.

در حالی که ایران هنوز خروج خود از معاهده عدم اشاعه (NPT) را اعلام نکرده است، پارلمان این کشور قانونی را برای توقف تمام همکاری‌ها با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تصویب کرد. این نشانه روشنی است که چشم‌انداز پایبندی مداوم ایران به دیپلماسی چندجانبه کمرنگ شده است.

دیپلماسی هنوز تنها راه است

ایالات متحده با بمباران تأسیسات تحت پادمان‌های فعال آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در واقع به هر کشور غیرهسته‌ای گفت که همکاری، ایمنی کمی به همراه دارد.

این حملات، سابقه خطرناکی را ایجاد کرد :

کشوری که سایت‌های خود را به روی بازرسان باز کرد و در چارچوب مذاکره باقی ماند، با این وجود با حمله نظامی روبرو شد. اگر کشورها به این نتیجه برسند که پابندی به معاهده عدم اشاعه (NPT) و اجازه بازرسی‌ها، آنها را از حمله یا اجبار محافظت نمی‌کند، ممکن است تصمیم بگیرند که توسعه یک عامل بازدارنده هسته‌ای تنها تضمین امنیتی قابل اعتماد است.

به هر حال، ما نمی‌بینیم که ایالات متحده پس از اینکه کره شمالی مشخص کرد سلاح هسته‌ای دارد، در فکر حمله به تأسیسات هسته‌ای کره شمالی باشد.

صرف نظر از اینکه این نمایش قدرتِ نسنجیده [اسرائیل و آمریکا] قرار بود چه شکست موقت و چه نتیجه‌ای به بار آورد، اکنون خطر فروپاشی استراتژیک رژیم منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و ثبات منطقه‌ای را به همراه دارد. ایالات متحده هنوز فرصتی برای جلوگیری از شعله‌ور شدن مسابقه تسلیحات هسته‌ای در خاورمیانه و سایر نقاط جهان دارد. برای انجام این کار، باید دیپلماسی را دو چندان کند و با بی‌اعتمادی عمیقی که ایجاد کرده است، مستقیماً مقابله کند.

دستیابی به یک توافق، ضروری است، اما برای این منظور، دیپلماسی آمریکا باید در مذاکرات به واقع‌گرایی بازگردد. واشنگتن باید از مطالبه حداکثری «غنی‌سازی صفر» دست بردارد. کارشناسان کنترل تسلیحات خاطرنشان کردند که اصرار بر اینکه ایران هیچ صلاحیت غنی‌سازی ندارد، برای منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای غیرضروری و همچنین غیرواقعی است. برجام پیش از این ثابت کرده است که یک برنامه غنی‌سازی کاملاً محدود همراه با نظارت دقیق می‌تواند به طور مؤثر مسیرهای ایران به سمت بمب را مسدود کند. ایالات متحده باید نشان دهد که مایل به پذیرش چنین توافقی در ازای تضمین‌های امنیتی و لغو تحریم‌ها است.

تهران به نوبه خود، تمایل خود را برای ارسال مجدد ذخایر اورانیوم غنی‌شده با غلظت بالا و سطح غنی‌سازی محدود خود در صورت ارائه یک معامله منصفانه نشان داده است، اگرچه از چشم‌پوشی کامل از حق غنی‌سازی خود خودداری می‌کند.

در نهایت، دیپلماسی و تعامل پایدار بین‌المللی همچنان مؤثرترین ابزار برای مدیریت خطرات گسترش سلاح‌های هسته‌ای هستند، نه اقدامات یکجانبه پرخطر.

این حملات یک خطای راهبردی بزرگ بوده‌اند. جبران خسارت، نیازمند تعهد مجدد به کار سخت دیپلماسی است.